

بسم الله الرحمن الرحيم.

صلی الله علیک یا ابا عبدالله، بنفسی انت و اهلی و مالی.

خدا قوت به لحظات و ساعات پایانی همایش داریم نزدیک می‌شویم. خوشحال بودیم و افتخار داشتیم که در یازدهمین همایش هیأت‌های محوری و برگزیده خدمت عزیزان باشیم ان شاء الله تا این جای همایش بهره کافی از اساتید و مهمان‌های جلسه برده باشید. برای خود حقیر که خیلی از مباحث قابل استفاده بود. جذاب بود امیدوارم که ان شاء الله با بهره‌گیری از تمام این محتویات و مطالب محرم بهتری را خدمت‌گزاری کنیم. من زمان کوتاه هست باید خیلی فشرده عرایض را به سمع شما برسانم. خیلی از حرف‌ها، راه‌کارها بیان شد، اگر دقت کرده باشید بسیاری از مطالب عزیزان و سخنرانان همایش کاملاً کاربردی بود، روش‌ها، ایده‌ها، و شیوه‌هایی را برای عملیات و اجرا خدمت شما تقدیم کردند. و این تا حدی کار حقیر را در تبیین این نقشه راحت‌تر کرد. من در این فرصت کوتاه باید یک سلسله و یک نکات و تیتراهی از عناوین بحث را اشاره کنم، یک بحثش را یک مقدار بیشتر با هم گفت‌وگو بکنیم. در ماجرای بحث هیأت و خانواده همان‌گونه که دیدید حرف بسیار است اما اولین اتفاقی که عزیزان باید رخ بدهد، تعارف و رودربایستی را باید بگذاریم کنار، نگاه مدیران هیأت را به امر خانواده تصحیح بکنیم و اولین قدم نگاه خود ماست. یعنی نگاه این جمع به عنوان مدیران هیأت، اگر به این مسأله مهم درست تنظیم نشده باشد الباقی ماجرا می‌تواند یک بازی و بازیچه‌ای بشود، یک شوئی اجرایی کنیم توی هیأت. اما زمانی که خود ما باور پیدا بکنیم و این ادعای مان را عملیاتی بکنیم اتفاقات ویژه‌تری رخ خواهد داد. خب هیأت‌های ما آیا مخاطب خودشان را فرد می‌بینند یا خانواده؟ من این بحث را در شهرها و استان‌های مختلف که خدمت عزیزان رسیدیم به انحاء مختلف سعی کردیم تا امروز بیان کنم. ما فعلاً مخاطب هیأت را داریم فرد می‌بینیم مع الأسف. ما که می‌گوییم، مای نوعی. ان شاء الله این جمع بر خلاف این عمل می‌کنند و ان شاء الله شما سردمداران و پیشتازان و السابقون این نگاه جامع به هیأت باشید. ما مخاطب هیأت را خانواده می‌بینیم، خانواده سلول بنیادین جامعه است، خب این یک اقتضائاتی دارد، یک ادعایی است لوازمی دارد. اگر من بخواهم هیأت را، مخاطب محوری‌اش را خانواده ببینم اولین چیزی که مسخره می‌شود هیأت‌های ویژه برادران است، من نمی‌فهمم یعنی چه؟ پوستر هیأت را می‌زند ویژه برادران. مجلس ختم که نیست، ضمناً مجلس زنانه نیز در همان مکان.. این نیست داستان. اولین

نقطه، این جا باید این نگاه تصحیح بشود. خب اگر مخاطب هیأت خانواده است جمعی است از پدر بزرگ و مادر بزرگ، پدر و مادر، دختر و پسر، نوه و نتیجه، آیا هیأت‌های ما برای استقبال و پذیرایی از یک چنین ترکیب مخاطبی آمادگی دارند یا نه؟ بررسی بکنید وضع امروز هیأت‌های مان را. قبلاً گاهی به این نکات جسته و گریخته و پراکنده اشاره‌هایی داشتیم، نه مسجدهای مان آماده‌ی چنین پذیرایی هستند، نه هیأت‌های ما، ما غالباً توی هیأت قسمت مردانه را خوب تزئین می‌کنیم. با انواع ظرافت‌ها و لطافت‌ها و این‌ها. قسمت زنانه هیأت بزرگسال توی انبار پاره شده بود همان را بزنیم، یا این که مثلاً دکور پارسل یا یا.. تازه هیأت خوب‌های مان که یک دکوری چیزی بزنند. در صورتی که این را باز هم با هم یادآوری کردیم که «المرأة ریحانة لیست بقهرمانه» اگر قرار است ظرافت به خرج بدهی آن جا ظرافت برایش به خرج بده. این قسمت خروس‌نشان هیأت خیلی لزومی ندارد، چرا من و شما رسانه زده‌ایم، این جا را دوربین نمی‌گیرد. دوربین آن طرف نمی‌رود من می‌خواهم کلیپ هیأت چشم خورد کن باشد، جاری‌کُش باشد. می‌بینی چه اتفاقی می‌افتد؟ هیأت من آمادگی برای پذیرش بانوان را ندارد. اولین قدمش شما به عنوان مدیر برادری‌تان را می‌خواهید ثابت بکنید این فضا را باید اصلاح کنید و بشکنید. مرد عمل هستید یا علی. خب جا را مرتب کردیم، مهیا کردیم، نگوئید هیأت‌های مان این جوری است، مسجدهای مان خوب است، قصه مسجدها را قبلاً گفتیم، روضه‌اش را هم خواندیم، گریه‌اش را هم کردید. توی زنانه مسجد که می‌آید دو ردیف که صندلی‌های مینی‌بوس آن جا آماده است و حاج آقا توی محراب و می‌زند دنده و این‌ها که هیچی. دو ردیف آن طرفش که سجاده‌ها سنجاق قفلی زده‌اند حاج خانم‌ها از قبل آن جا جای‌شان را گرفته‌اند. یکی دو تا از سجاده‌های‌شان را استفاده نمی‌کنند می‌گویند این چند سال مُرده است، هنوز سجاده‌اش آن جا، چون فحش گذاشته بوده، کسی جمع نکرده، جرأت نکردند جمع کنند. سجاده آن جاست. یکی چهار ردیف شما با پرده فاصله دارید حالا اگر بر آن مبنا که مخاطب شما، قشر خاکستری مایل به سیاه است زد به کمر یک بنده خدایی، حالا یک قشر خاکستری یک خانم مانتویی که حجابش را رعایت می‌کند، از حجاب برتر محروم است. چادر ندارد. حالا زده نماز می‌خواهد بیاید توی مسجد. اصلاً تصور چنین اتفاقی محال است مگر می‌شود؟ حالا آمده از کجا چادر می‌خواهید دستش بدهیم و این‌ها. توی این سبد چادرها را ریختیم مثل رخت کهنه‌های.. این لباس‌ها را می‌فرستادیم برای سرپل ذهاب آتش می‌زدند. آن جا گذاشتیم خانم بیاید سرش بکند و بیاید نماز بخواند. دقیقاً

فرصت طلایی که می‌توانیم چادری‌اش بکنیم. از محضر جمع به دور است، عرض کردم توی یکی از جلسات، شما هتل تشریف می‌برید... ببخشید ببخشید توالی فرنگی هتل رویش زده ضد عفونی شده، یک کاغذ زده که شما پاره‌اش می‌کنید، خیالت راحت باشد که بهداشتی است. چادرها را ریختی توی سبد، توقع داری این خانم بیاید چادر هم سر بکند، بعد هم لذت ببرد. بگوید به به چه حجاب برتری بود! بلد نیستیم، سخت است، کاری دارد، عجیب است. این چادرها را هر دفعه که استفاده شده، شست و شو کنیم، توی یک سلفون بکنیم پرشش بکنیم توی آن هم یک برگه‌ای بگذاریم، دو تا حکم حجاب، نه، دو تا برگ گل هم بیندازیم لایش. اولین بار که باز می‌شود چه قدر محترمانه است این اتفاق. شاید همین دامی شد، دانه‌ای شد، گرفتارش شد. بعدش رفت، حسرت بخورد بگوید حیف که خانواده‌ام، شرایط زندگی‌ام، دانشگاه، محیط، همسایه اجازه نمی‌دهد و الا من آرزو داشتم چادر را سرم بکنم. این هم وضع مسجدهای مان است بگذریم. بچه‌ها توی مسجد و هیأت جای‌شان کجاست؟ امروز به نظر من بعد از این صحبت‌ها، بعد از این همایش قبلاً گفتیم و گفتیم. اما امروز دیگر برای همه هیأت‌ها این همایش حداقل واجب است بخش ویژه کودکان هیأت را راه بیندازند. مهدکودک‌های فاطمی و حسینی هیأت باید راه بیفتند. این حداقل است برای شما. بعد شما موگد هستید، مقلدان شما در استان‌ها از شما باید الگو بگیرند. عقب بمانید جلو می‌زنند از شما. توی یکی از شهرها عرض کردم توی مترو تشریف می‌برید اتاق مادر و کودک دارد. آن مادری که با بچه نوزادش آمده هیأت، زحمتی کشیده، باید تقدیر بشود یا باید به او بد نگاه کنیم. اگر صدای گریه بچه‌اش می‌رود بالا، حاج آقا روی منبر باید به او تذکر بدهد، بقیه باید نج‌نج بکنند، با چشم‌های‌شان باید درش بیاورند. یا نه باید از او تشکر کرد، چه همتی، چه مجاهدتی، احسنت. بعد خب من و شما چه وظیفه‌ای داریم، خیلی سخت است یک گوشه هیأت، یک جایی کنار همان مهدکودک اتاق مادر و کودکی فراهم کنیم. که توی آن جا مادر می‌خواهد شیر بدهد به فرزندش، راحت باشد، حسن سلیقه هم به خرج بدهید چند تا هم پوشک بچه و این‌ها هم یک نفر نذر کند بگذارید گوشه آن اتاق مادر و کودک. توی یک جایی هم که بلند باشد دست بچه نخورد. یک چای‌ساز بگذارید، یک فرنی، غذایی، سوپی هم خواست برای بچه گرم بکند. چای‌ساز هم آن گوشه باشد. فضای آن جا را هم کودکانه، عاشورایی تزین بکنید. چند تا بازیچه هم آن جا باشد. کار سختی است، کار پیچیده‌ای است؟ می‌شود انجام داد. بعد ببینید چه اتفاقی رقم می‌خورد. الان نمی‌خواهم وارد این داستان‌ها بشوم،

از این ایده‌ها زیاد بوده شنیدید، صحبت زیاد است. الان این را نمی‌خواهم خیلی بسطش بدهم. اما قدم اول، هیأت من اثبات بکند من آماده پذیرایی خانواده هستم. گفت آقا ما از کجا رسیدیم به بحث خانواده، یادتان بیاید قصر شیرین، آن دوستانی که توی همایش قصر شیرین بودند بعد از ماجرای زلزله، ما همایش هیأت‌های خدمت‌رسان را شروع کردیم. وارد بحث هیأت و خدمات اجتماعی شدیم، یادتان باشد ما توی آن همایش و توی آن بحث از شما خواستیم در ساختار هیأت سه واحد باید اضافه کنید، گفتیم امروز رقابت هیأت‌ها باید سر این واحدهای‌شان باشد. رقابت را از سیستم صوتی دایناکورد و مون‌تاربو و ایوی و فلان و نمی‌دانم ابعاد بزرگ و نمی‌دانم این دوربین اسپایدرکم و از این چیزهایی که مع الأسف فضای مجازی گرفتارمان کرده، بکشید بیرون، رقابتِ سر خدمت صادقانه و مخلصانه باشد. بگویید آقا من خیریه هیأت‌م را راه انداختم با این اثر، صندوق قرض‌الحسنه هیأت‌م راه افتاد با این کارکردها، گروه جهادی هیأت من جلوتر از همه گروه‌های جهادی دیگر، ما هیأتی هستیم، حسینی هستیم، فدایی هستیم، وسط میدان هستیم. بنفسی انت و اهلی و مالی هستیم. ما این جوری آمدیم وسط، این هم گروه جهادی ماست. این حرف‌ها را قبلاً زده بودیم بعد از همایش قصر شیرین یادتان باشد از خدمات اجتماعی گفتیم توی خدمات اجتماعی متوقف بشویم حجتیه‌ای‌ها هم خدمات اجتماعی دارند. بنیاد محک و جمعیت امام علی هم دارد خدمات اجتماعی می‌دهد. هزار جریان سکولار دیگر هم دارد کار خدمات اجتماعی می‌کند گاهی از ما جلوتر هستند. هشدار دادم خدمت‌تان، یادتان باشد سر ماجرای خیریه‌ها، امروز دشمن مار خورده افعی شده. دشمنی که دیروز سر ماجرای ان‌جی‌یوها آمده بود در مقابل هیأت‌ها، امروز پیشرفته شده با نماد و نمود خیریه‌ها آمده. سند حرفم صدها و هزاران خیریه کاملاً سکولار، از خدا و پیغمبر هیچ خبری نیست. سند حرفم سلبریتی‌هایی که توی فضای مجازی هفت میلیون، هشت میلیون فالور دارند یک فالوینگ دارند. یک دانه بنیاد خیریه فلان، بعد بروید ببینید عقبه آن بنیاد خیریه چه کسانی نشسته‌اند؟ توی جهان معروف است این ماجرا. نگویید آقا خیریه‌های متعددی در دنیا هستند فلان بازیگر و هنرپیشه هالیوودی هم دارد می‌رود توی آفریقا کمک می‌کند. عکس آن‌جلینا جولی را دیدیم بچه سیاه‌پوست آفریقایی بغلش بود، شما که خیلی ادعا می‌کنی حاضری آن را بغل بکنی به او شیر خشک بدهی. توی جهان معروف است بزرگ‌ترین سیستم پول‌شویی دنیا خیریه‌ها هستند. شما می‌توانید خیریه‌های صحیح و اسلامی و مردمی را به رخ بکشید. داریم کم‌کاری می‌کنیم، همت کنید. دختر و

پسر جمع شدند آخر هفته داریم می‌رویم کار خیریه انجام بدهیم. ننه‌اش هم دلش خوش، رفتند کار خیریه انجام بدهد. رفتند توی خانه سالمندان پسر گیتار آورده، گیتار می‌زند، خواهرهای خیریه هم دارند با پیرزن‌ها و پیرمرد‌ها حرکات موزون انجام می‌دهند. با جسارت تمام عکسش را هم دارد می‌گذارد توی فضای مجازی. کسی هم جرأت نمی‌کند به او حرفی بزند. یک بار آن دختر بدبخت گفت الگوی من اُشین است، امام فتوای ارتداد داد. از همان جماران با مالیوتکا زد پودر شد. تا ده سال بعدش صدایی در نیامد. امروز توی این فضای لجن مجازی با افتخار فلان خانم بازیگر می‌گویند من سفیر ترنس‌های ایران هستم. این فضا را اگر من و شما ورود نکنیم، نشکنیم، کار زمین می‌ماند. ما این‌ها را گفتیم و گفتیم، رسیدیم به مطالبه‌گری. گفتیم پس ما باید مطالبه‌گر هم باشیم. فریاد مردم شما هیأتی هستید. این اداره‌ها و ساختارهای پوسیده‌ای که دارند با مردم به جفا برخورد می‌کنند، ظلم می‌کنند، رشوه می‌گیرند. شما فریاد نکشید، شما حنجره دادخواهی مردم نباشید، فردا آمدنیوز و نمی‌دانم بی‌بی‌سی فارسی و من و تو می‌خواهد بشود ادعای دروغین مطالبه حقوق مردم را بکنند. چرا؟ چون من و شما فریاد نکردیم. مسجد و هیأت باید پایگاه فریاد دردهای مردم باشد. تعارف را باید بگذاریم کنار. اتفاقاً این راه دفاع از ولایت است. اگر شما بیایید وسط، شما تابلو دارید، شما شناسنامه دارید، شما قبلش برادری‌تان را برای این نظام و انقلاب اثبات کرده‌اید، شما منصفانه می‌آیید وسط. اما شما اگر میدان را خالی کنید دیگران می‌آیند. ما این سیر را طی کردیم امروز رسیدیم به بحث خانواده. از بحث خدمت به مردم رسیدیم به این جا. بحث ما بحث خادم هیأت، خادم مردم بوده. گفتیم هیأت‌های مان را فاصله انداختند بین ما و مردم. هیأت‌ها را از مسجد بردند توی حسینه، از حسینه بردند توی خانه، از خانه بردند توی دخمه، بردند توی زیرزمین. گفت حالا توی زیرزمین بزن، بزن، این قدر بزن تا بمیری. بخار کن، دم کن، صدای سیستمات را این قدر ببر بالا گوش‌هایت کر بشود. اما بیرون نیا. وسط مردم نباش، هیأت‌ها را خواستند فرقه کنند. خواستند تبدیل مان بکنند به یک نحله. ما جریان زنده و پویای دینی در جهان بودیم و هستیم. هیچ مکتب دیگری جز شیعه یک چنین جوش و خروشی را ندارد. عالم را شما به هم می‌ریزید. بشکند آن دست‌هایی که می‌خواهد نفوذ و اثر هیأت‌ها را محدود کند به دخمه‌ها و محفل‌ها. وسط میدان قرار بوده باشیم. رسیدیم به این نقطه اگر می‌خواهیم هر کاری شروع کنیم نقطه شروع خانواده است. هیأت باید خانواده را ببیند، باید بسترش را مهیا کند، حالا بستر را مهیا کرد، حرف اصلی مان این جاست، آن

حرف‌ها را قبلاً زدیم تفصیل و مفصل، همایش چند روزه گرفتیم و این حرف‌ها را زدیم. امروز می‌خواهیم بگوییم نگاه‌مان را اگر به سمت خانواده تصحیح کردیم لوازمش را باید عمل کنیم. لوازم این ماجرا یک بخش آن این است که من زیرساخت‌های لازم برای حضور خانواده را فراهم کنم. در هیأت‌ام، حسینیه‌ام، مسجد، محل برگزاری مراسم، خب این زیرساخت‌ها را فراهم کردم تمام شد ماجرا؟ اول الکلام است. من باید گفتمان هیأت‌ام را مناسب این فضا کنم. حرف من باید مناسب یک مخاطب خانواده باشد. بچه می‌آید توی هیأت می‌گوید بابا چه می‌گوید این؟ سواد یک کم بالا.. ما این طرف ماجرا را یک کم باید فکر بکنیم، مداحی من، ذکر من، نوحه من، منکر من، گفتمان هیأت من، این از تبلیغات هیأت شروع می‌شود از آن نقطه آغازین تبلیغات، نمی‌دانم چه کسی آمد این را مُد کرد، فکر می‌کنیم مثلاً ما چهره خشن مداح را مثلاً توی یک حالت خاصی، توی پوستر و بنر بز نیم جمعیت می‌آید، چهره منبری‌مان را بزرگ‌تر بز نیم جمعیت می‌آید. بنای هیأت‌های ما گفتمان محوری بود نه شخص محوری. اشکال ندارد من معرفی باید بکنم سخنرانم را، اما ساخت این اعلان هیأت من باید مشخص باشد. یک هیأتی می‌گفت من برای دعوت به هیأت علاوه بر تبلیغات عمومی برای کودکان هیأت سرمایه‌گذاری کرده بودم. یعنی از جانب مهدکودک حسینی هیأت بچه‌ها را دعوت کرده بودم به هیأت. گفت یک بزرگواری آمده بود گفته بود من ۲۰ سال است شب عاشورا توی هیأت خودمان هستم امسال این بچه من را مستأصل کرده، آورده من را این جا. گفت از توی شهر که تبلیغات شما را دیده، یک تبلیغات انیمیشنی، کارتنی کودکانه. بعد مثلاً یک آقا سلمانی بوده و یک زینب خانمی دعوت کردند بچه‌ها را به هیأت. شخصیت‌سازی کرده برای هیأتش. می‌گوید این ما را بیچاره کرده، ما را شب عاشورا بعد از ده سال که توی هیأت خودمان بودیم امشب توی هیأت شما داریم سینه می‌زنیم. یعنی اگر درست عمل بکنیم بحران مخاطب شما را هم حل می‌کند. من بعد از این که زیرساخت را فراهم کردم گفتمان هیأت را باید تصحیح کنم. بعد این جا یک نکته‌ای داریم قبلاً سر چرخه کامل مخاطب با هم صحبت کردیم. چون خواهرها توی همایش‌های قبلی نبودند و بعضی از چهره‌ها جدید هستند من فقط یک مرور سریع می‌کنم، مخاطب هیأت یک مخاطب کامل است، چرخه مخاطب شما باید کامل باشد. از هر جای چرخه شروع کنی کامل خواهد بود. دقت بکنید می‌گویید هیأت جوانان داریم. دم شما گرم، این هیأت جوانان آرام آرام بچه‌ها دارند رشد می‌کنند. به سن ازدواج می‌رسند هیأت باید جلسات ویژه و آموزش‌های قبل از ازدواج داشته باشد،

آموزش‌ها و سرفصل‌های حین ازدواج و بعد از ازدواج باید داشته باشد. یعنی سه تا سرفصل فقط برای همین جوانان حول و حوش سن ازدواج. و مطالب این‌ها باید اصلاً تفکیک شده باشد. و گرنه خود شما می‌شوید ۲۰۳۰. مشکل اصلی ۲۰۳۰ عدم تفکیک این مطالب و مسائل بدون هیچ‌گونه طبقه‌بندی، و ریختن آن در مقابل بچه‌ها بود دیگه. خب این جوان ازدواج می‌کند فضای استحکام خانواده‌اش پیش می‌آید آن جا نباید مدیر هیأت، نباید ارکان هیأت رها کنند این را. این جا هم نیاز به کمک شما دارد، باید مراقبت بکنی و گرنه آهسته بگویم در بعضی از گروه‌ها و قشرهای مذهبی ما ۱۳ درصد از نرُم طلاق جامعه بالاتر هستیم. چون حواس‌مان نیست، بعد شما ملاحظات و دقت‌هایی دارید که او ندارد، او آزادانه دارد می‌چرد. تو اگر بخواهی درست زندگی بکنی، حساسیت‌ها و محدودیت‌ها، عاقلانه و حکیمانه تدبیر بکنی از او مراقبت می‌کنی، ایام فرزندداری او می‌رسد. گفتیم هیأت مادر و کودک، نه ماه، نه جلسه برای مادران و کودکان توأم این چرخه را قبلاً رفتیم فلذا خلاصه‌اش می‌کنم. بعدش بچه به دنیا می‌آید، ایام وضع حمل مادر آن گروهی که قرار بود همراهی بکنند، کمک بکنند از خانم‌های هیأتی و آن دوران وضع حمل، دوران حساس عاطفی مادرانه‌ای که خاکستری که چه عرض کنم خاکستری مایل به سیاه که چه عرض کنم، سیاه مایل به بنفشش هم می‌آید و توی جلسه هیأت‌تان شرکت می‌کند. توی آن فضا، توی آن دوران بچه را رها نمی‌کنید، بعد از آن دوران نقاوت، جلسات هیأت مادر و کودک شکل می‌گیرد، تا دو سال کودکی این بچه هیأت برقرار است برای این شرایط خاص. یعنی می‌داند مدیر هیأت من برای مادر و کودک جلسه راه انداختم. از دو سالگی به بعد وارد ماجرای مهدکودک هیأت، می‌آید ماجرای هیأت نوجوانان، می‌رسد به همان سن جوانی که نقطه شروع مخاطب شما بود. این چرخه مخاطب شما چرخه کاملی باید باشد اگر هر بخشی از آن را نبینی هیأت ابرتر می‌شود. کوثر هیأت، جوش هیأت به کامل بودن این چرخه و فرایند در مخاطب است. اگر امروز هیأت‌های ما با بحران مخاطب مواجه می‌شوند یک دلیل آن این است که این چرخه را کامل ندیدند در برنامه‌شان. ببخشید من باید خیلی تندتند بگویم، شما همراهی بکنید که برسد من در این مدت کوتاه عرایض را کامل کنم. ما آن سه تا ساختاری که در قدم اول گفتیم اضافه کنیم یعنی گروه جهادی هیأت، یعنی خیریه هیأت، یعنی صندوق قرض‌الحسنه، همان جا خاطر من هست در همایش قصر شیرینی این وعده را خدمت‌تان عرض کردم. آن روز شاید زود بود، آن روز هنوز راه‌اندازی خدمات اجتماعی هیأت یک امر نو و جدیدی بود برای هیأت‌ها.

اما امروز عرض می‌کنم در گام بعدی، در فاز دوم این اتفاق و عمل مبارک شما، ما باید ورود بکنیم در عرصه مباحث حوزه مشاوره تربیتی، خانوادگی، امر ازدواج، امر اشتغال، امر بهداشت و درمان، این‌ها گام‌های بعدی است که یک روزی کارکرد هیأت‌های ما بوده. این کارکرد را از هیأت‌های ما گرفتند. هیأت را صوفی‌منشانه بردند جلو. هیأت را خائقی کردند، شما دوباره باید هیأت را به متن جامعه برگردانید. هیأت انقلابی یعنی این؟ هیأت انقلابی به فلان مدل سینه زدن و فلان ذکر گفتن که نیست. ای رهبر آماده آزاده‌ایم، آزاده‌ایم.. برای این حال امروز ما بهتر در می‌آید تا ای رهبر آزاده آماده‌ایم، آماده. آمادگی من به عملم است. عمل من این اتفاقات در هیأت باید رقم بخورد. امیدواریم خیلی از شما که در جمع حاضر هستید شروع این ماجرا را داشتید. امیدواریم این همایش یک نقطه‌ای باشد برای جهش در این ماجرا. تقویت این نگاه، و این اتفاقات به صورت علی‌الدوام در هیأت‌ها رقم بخورد. اگر این نگاه درست شد، حرف ما این است، این نگاه اصلی‌ترین ماجراست، این نگاه که درست شد ما دو قدم جدی، دو اتفاق جدی، دو اقدام جدی را در حوزه هیأت و خانواده باید رقم بزنیم. یک بخش آن، بحث آگاهی‌بخشی است، گفتمان‌سازی است، آموزش دادن است. با شیوه‌ها و شکل‌های مختلف می‌توانید برگزار بکنید اما حواس‌تان باشد هنرمندانه، ظریف، با دقت؛ نیایم خراب کنیم مثل خیلی از اوامر دیگر حضرت آقا که خیرمالش کردند آقایان. مثل این شعار سال‌هایی که حضرت آقا نام‌گذاری می‌کنند، خروجی‌اش برای ادارات این می‌شود که روی سربرگ می‌زنند، سال.. بنرهای هر سال هم فایلش آماده است فقط زده سال .. مبارک باد. همان اول سال منتظر است روابط عمومی اداره، می‌زند سال رونق تولید مبارک باد، تمام. یعنی آن بنری که دارد اول سال می‌زند سال رونق تولید مبارک باد بنر ختم این مسأله در آن سازمان و آن اداره است غالباً. میخ تابوت است که دارد می‌کوبد نباید عمل بکنیم به این ماجرا. اگر عمل ما ظریف نباشد، دقیق نباشد، با ظرافت و.. ببخشید من می‌گویم ظریف و این‌ها خیلی خودم هم.. با ظرافت و با دقت و بامتانت نباشد کار خراب می‌شود. گل‌درشت نپزدازید به این موضوع، فردا نیایم.. برایم فایل می‌فرستد می‌گوید آقا شور کار کردم در موضوع خانواده. می‌گوییم چی؟ خانواده خانواده خانواده.. خرابش نکنید خواهشاً. اگر قرار است ورود بکنیم یک ورود آگاهانه، هنرمندانه و باظرافت می‌خواهیم. اگر این قدم را برداشتیم باید ورود ما توی عرصه اقدام حمایتی، آن ساختارهایی که خدمت‌تان عرض کردم. یک بخش از عمده مشکلاتی که ما توی بحث ازدواج مواجه می‌شویم، بحث اشتغال بچه‌هاست. من

کتر استانی است الان می‌رویم برای همایش هیأت‌ها، بعدش یکی نیاید بگوید حاجی من تحصیلاتم این قدر است، اوضاعم این جوری است، این قدر هم هیأت رفتم، این قدر هم سینه زدم، کار ندارم.. یا برگه می‌دهد، یکی می‌آید خودش گوشه می‌گوید حاجی گرفتارم، توی فلان اداره، فلان... این یک مقدمه.. خب ما نمی‌توانیم برایش همتی بکنیم، ورودی بکنیم، چرا فلان کارآفرینی که دارد می‌آید توی این برنامه و آن برنامه شبکه‌ها از دل هیأت‌ها برنیاید. این دوره مسیر طلایی که دوستان دفتر اقتصاد هیأت راه انداخته‌اند را حتماً پیگیر باشید توی شهرها و استان‌های تان بیاورید. بحث دوره تخصصی کارآفرینی، ویژه بچه هیأتی‌ها، جهت تقویت هیأتی‌ها. قاعدتاً باید بچه هیأتی قدرتمند باشد. لازمه اصلی قدرت بچه‌های شما هم علم است حواس تان باشد، لزوماً این پول اگر بخواهد پایدار باشد، اگر بخواهد حلال باشد، اگر بخواهد درست باشد قطعاً و یقیناً از مسیر علم و دانش می‌گذرد. امر حضرت آقا است، «العلم سلطان» اولین بند تذکرات حضرت آقا توی بیانیه گام دوم است، گروه جهادی هیأت‌های تان کجاست؟ چند تا از هیأت‌های مان این مجموعه بچه‌های کانون نخبگان تهران که هر سال می‌آیند مدال‌های المپیادشان را خدمت آقا می‌دهند. یک مجموعه مسجدی هیأتی هستند، یک مجموعه تربیتی هستند. چه قدر خوب است که با افتخار می‌گویی آقا جان این مدال‌های امسال است پیشکش به شما. توی هیأت‌های مان یک کاری باید بکنیم علم و دانش قدر و اجر پیدا بکند. لازمه آن قدرت است، آن قدرت لازمه این است که شما بتوانید قدرت‌مندانه در حوزه خانواده، حوزه خدمات اجتماعی و قس علی هذا ورود پیدا بکنید.

همه این حرف‌هایی که بسته و گریخته و پراکنده در این دو روز شنیدید، دوستان در قالب یک بسته جامعی به عنوان کتاب کار هیأت و خانواده آماده کردند. در هفته پیش‌رو این کتاب کار هیأت و خانواده در کانال مشعر بارگذاری می‌شود، همه این ایده‌های این دو روز را هم اضافه کردیم. یک کار مطالعاتی چند صد ساعته قبلاً انجام شده، این دو روز همایش به آن تزریق شده. نسخه کاملش تقدیم می‌شود. اما دقت کنید مثل یک نرم‌افزار ما این کتاب را به روز خواهیم کرد. فعلاً پس بنای چاپش را نداریم. فایلش را در کانال مشعر تقدیم خواهیم کرد. بعد در هر توالی مناسبی به حجمی اگر رسید اصلاحات و تغییرات، نسخه به روز شده‌اش را مجدداً در کانال خدمت‌تان ارائه خواهیم کرد. آن می‌تواند تجميع تمام این حرف‌ها و گزارشات و یادداشت‌ها در یک نظام مرتب و منطقی باشد و نقشه عملی باشد برای این که بتوانیم توی این مسیر ان شاء الله عمل بکنیم. بعضی از دوستان

می پرسند آقا کدام کانال؟ کانال کجا و این ها؟ دیگر این را من توقعم این است از شما که توی این همایش دارید شرکت می کنید علی الخصوص حالا آن هایی که همایش های مکرر تشریف آورده اند. آدرس ۱۵، ۴۲ را همه دیگر باید حفظ باشند. ۱۵ خرداد ۴۲ بچه های ورامین و پیشوا این جا هستند. آن حرکت انقلابی آن مردم، شروع انقلاب حضرت امام، انقلاب عاشورایی، اسم رمز ارتباطات ماست. آدرس سایت مان ۱۵۴۲.org، فضای مجازی توی اینستاگرام، توی آپارات، توی ایتا، توی بله، توی سروش آدرس مان همین آدرس سایت بدون نقطه، [@www1542org](http://www1542org) این ارتباط اگر برقرار بشود ۵۰۰ تا هیأت این جا نشسته. هر کدام از هیأت های شما رفقا اگر کم کمش بخواهم بگویم که صد نفر، صد نفر، صد نفر مخاطب داشته باشد که خیلی از هیأت های تان را آدم می دانم می شناسم مخاطب های چند هزار نفره دارید. این شبکه تان را بیاورید به هم متصل بکنیم توی فضای مجازی اوضاع این نخواهد بود رفقا. همتی بکنید، غیرتی بکنید، این که شما عضو این کانال بشوید، یا عضو این صفحات بشوید خیلی هنر نیست. مهم تر این است که شما شبکه خودتان را بیاورید در این اتصال و ارتباط قرار بدهید ان شاء الله. آن تذکری که دیروز خدمت تان عرض کردم ابتدای جلسه خواهم این است، این حرف ها را مکتوم نگه ندارید این ها سر نیست، راز نیست، اسرار مکشوفه است، رفتید توی شهرهای تان، خواهم این است که این موج را ایجاد بکنید، عزیزان مبلغ و منبری که در جلسه هستند، این رسالت را می دانند، امر حضرت آقا است در این موقع. از روی هوس کسی یا سلیقه کسی نبوده، حکم ولی بوده، ما هم جمع شدیم دست ید ولی خدا پیدا بشود توی جامعه که احکام و ارزش های اسلامی و انقلاب در جامعه پیاده بشود. خودتان را مبلغ این پیام بدانید برگشتید بچه های شهرهای تان را جمع کنید، هیأت های شهرها را بگویید آقا یک آورده ای دارم. مارکوپولو چه آورده ای؟ پیامی آورده ام از قم. پیام من این است یک امری را یک ولی مقتدر مظلومی امر فرموده فعلاً زمین است، آمدیم برش داریم. هیأت من و شما هم مهم نیست، همه بیایید همت کنیم برداشته شود از زمین. یک بسته ای را هم پایان همایش خدمت شما تقدیم می کنند دوستان، بسته ارزشمندی است یک محتوای ویژه دارد گفتارهایی در باب هیأت و خانواده. این برای شما چاپ شده تا الان جایی منتشر نشده. این ویژه این همایش الان دارد منتشر می شود، زحمت برادران عزیزم در دانشگاه امام صادق است. یک هسته احیای امری آن جا شکل گرفته، متمرکز روی هیأت دارند کار می کنند ما خیلی خوشحال شدیم وقتی فهمیدیم این زحمت را کشیدند، آن ها هم

لطف کردند، بزرگواری کردند قبل از این که انتشار بدهند در خدمت شما قرار دادند. فعلاً همین ۵۰۰ نسخه چاپ شده که در خدمت شما قرار بگیرد. همه مطالب این کتاب برای ارائه عمومی مناسب نیست. دارم تذکر می‌دهم، این خاص شماست. ما شما را به عنوان افراد مدیر هیأت‌های محوری و برگزیده به عنوان یک انسان فرهیخته داریم مورد خطاب قرار می‌دهیم. این محتوا برای شماست. برای ارائه عمومی نیست یعنی شاید اگر دست خود آن دوستان دانشگاه بود اصلاً ۵۰۰ نسخه نیاز نداشتند چاپ کنند. محتوایش هم گفتارهایی بوده که پیاده شده دسته‌بندی شده، توی موضوع تخصصی خانواده، از حاج آقای عابدینی، حاج شیخ محمدرضا عابدینی چند جلسه آمدند، حاج آقای پناهیان آمدند، حاج آقای عباسی ولدی آمدند، جناب آقای اعلایی که تخصصاً توی حوزه کودک کار کرده‌اند، حسینیۀ کودک شهید چمران منشور هیأت کودک‌شان پایین هست تجربه مانای آن، اگر می‌خواهید هیأت کودک راه بیندازید آن منشور را حتماً تهیه کنید و مطالعه کنید. تا مثلاً یک جامعه‌شناسی مثل آقای محسن حسام‌مظاہری، یک تنوعی توی گفتارها دارد، لزوماً همه گفتارها مورد تأیید شاید نباشد. ولی برای شما، برای این که بدانید سرفصل‌های جدی در حوزه هیأت و خانواده چیست کتاب بسیار مفیدی است. یک تحفه‌ای است تقدیم به شما. یک کتاب هم که سال گذشته دومین کتاب پرفروش جمهوری اسلامی شد، ذکر خیرش را توی همین همایش‌ها چند بار کردیم جزو کارویژه‌هایی بود که آسید حسین موسوی هیأت یا مهدی واوان انجام دادند تألیف ایشان است. کتاب نشاط در خانواده. سال ۹۷ دومین کتاب پرفروش جمهوری اسلامی شد. این هم محتوای بسیار خوبی دارد توی بسته خدمت‌تان تقدیم می‌شود. امسال هم الحمدلله این کتاب عارف دوازده ساله ایشان تا امروز پرفروش‌ترین کتاب سال ۹۸ است. این افتخاری است که بچه هیأتی‌ها ورود بکنند توی عرصه. و هیأتی و یا علی‌گویان کار را به انتها و ختم برسانند. امروز هم که ان‌شاءالله خدمت بچه‌های باصفای عابدان کهن‌دز؟؟ همین مستند فاخر در بسته قرار گرفته که ان‌شاءالله خود حاج خدایار بهرامی امروز تشریف می‌آورند، یکی از بچه‌های جانباز مدافع حریم اهل‌بیت هم همراه‌شان هستند. همین مستند را ان‌شاءالله سر فرصت ما کوتاه کردیم از این دو ساعت مستند یک ربع آن را قبل از برنامه ان‌شاءالله برای‌تان پخش می‌کنیم. واقعاً دیدنی است با خانواده جمع شوید و این مستند را ببینید. و این کتاب در مکتب مصطفی که مصطفی صدرزاده، حاصل مکتب تربیتی این بچه‌های عاشق پیشه است، چه قدر خوب است یک هیأتی اگر ادعای تربیت می‌کند بگوید آقا

خروجی من این است. خروجی هیأت من نه توی سندها و نوشته‌ها، آن‌ها سر جایش. اما اگر از آن سندت مصطفی صدرزاده در آمد سرت را بلند می‌کنی. این کتاب نفیس هم خدمت‌تان هست. دو تا کتاب دیگه، دو تا در واقع مجموعه منشور دیگه هم یکی بحث مبلغان معرفت که فرمایشات حضرت آقا در این دیدارهایی که با ستایش‌گران داشتند بخشی‌اش این جا تقدیم شما شده. و یک کتاب دیگه هم که مرتبط با بحث خانواده و بحث فرزندآوری و تربیت سهم من از جهاد این مجموعه هدایایی هست که ان شاء الله در پایان همایش در بسته همایش به شرط آن نظرسنجی و شرکت شما در نظرسنجی تقدیم خواهد شد. ببخشید من قرار بود که کوتاه و خیلی موجز عرایضی را تقدیم کنم. طول کشید عفو فرمایید. سلامتی خودتان و خانواده‌های‌تان، سلامتی تمام خانواده‌های هیأتی‌های سطح کشور و ان شاء الله امسال محرم بهتر خدمت‌گزاری بکنیم صلواتی محمدی ختم کنید. (صلوات حضار).

پایان.